

## پیشنهاد بی شرمانه

امیر فیض - حقوقدان

عنوان این تحریرازفیلمی گرفته شده است که بنام **Indecent PROPOSAL** در زبان انگلیس بنمایش در آمد و موضوع ازرویدای گرفته شده بود که دختری وپسر جوانی برای اینکه هزینه ازدواج خودرابدست آورند به مرد میلیونری که چشم به آن دخترداشت پیشنهاد همخوابی بمبلغ زیادی رامیدهند (**پیشنهاد بی شرمانه**) و اتفاقا آن مرد میلیونرهم **پیشنهاد** رامی پذیرد ولی غافل از اینکه آن یک شب همچنان ادامه داشت و سبب پیوند عشقی بین آن دخترجوان و آن مرد میلیونرشد و....

### واما بعد

دیروز بایکی ازدوستان قدیم که تحریرات این ارادتمند راندنبال میکند، گفتگویی داشتم که البته قصد تماس، احوال پرسی بود که طبق معمول، صحبت به مسائل سیاسی روز کشیده شد.

ایشان گفتند؛ "تحریرات شمارا راجع به شورایملی به ایران وماده ۱۱ آن دنبال میکنم و اتفاقا بخشی از آنرا برای یکی ازدوستان که منشور شورا را امضا کرده نقل کردم، ایشان گفت فلانی (یعنی امیر فیض) درموضوع منشورشورا کمی بی لطفی توام بابی توجهی دارند، چرا که منشور پیشنهاد است ومادام که پیشنهاد بتصویب مجلس موسسان نرسد فقط یک پیشنهاد است و آثاری متوجه آن نیست وامثال امیر فیض نباید نگران منشوروماده ۱۱ آن باشند."

صحبت دوست قدیم بنده (اقای الف) این تداعی را بوجود آورد که ایشان تحت تاثیر صحبت آن شخص قرار گرفته لذا باهمه مشکلاتی که در صحبت کردن دارم وپرهیزاز آن بکرات توصیه شده است سکوت ویا کوتاه آمدن راجایز ندانستم ومطالبی را لزوما با ایشان درمیان گذاشتم، و در پایان گفتگو تصمیم گرفتم که درباره **پیشنهاد** که مستمسک امضاکنندگان منشوراست نقدی تاحدودی مجهز تقدیم دارم وچون در **پیشنهاد!!** شورای به اصطلاح ملی! یعنی منشور آن بی شرافتی و بی شرمی مواج است عنوان آنرا هم **پیشنهاد بی شرمانه** به اقتباس از آن فیلم سینمایی بگذارم.

### پیشنهاد چیست و بی شرمانه بودن آن کدام است

از آنجا که نظام اجتماعی برپایه نظم است، ونظم تابش قانون است، ودرهر عملی که تابش وپشتوانه قانون وجود نداشته باشد آن عمل فارغ از نظم حقوقی و بی اعتبار است، لذا علم حقوق برای اعمالی که مورد حمایت قانون است تعریفی برقرار ساخته است، تا تعارض وتداخل تعاریف سبب ایجاد بحران درحل وفصل موضوعات نگردد.

پیشنهادی که جنبه عمومی دارد باید واجد سه رکن ویا عنصر باشد که اگر هر پبیشنهادی متضمن یکی از سه عنصر نباشد، پیشنهاد شناخته نمیشود.

**عنصر اول** - که مهمترین عنصر ومعنوی شناخته میشود مشروعیت وقانونی بودن پیشنهاد است، وهمینجاست که ماهیت پیشنهادات را به غیر ممکن ویا غیرقانونی و بی شرمانه بودن وغیره تقسیم میکند.

**عنصر دوم** - تازه بودن است، ومقصود ازنووتازه بودن آن است که نه سابقه قبلی (تولید فکری) داشته باشد ونه اینکه قبلا پیشنهاد مزبور به مرحله اجراء آمده ولی به دلایلی متوقف شده است.

**عنصر سوم** - سودمند بودن پیشنهاد است برای جامعه ای که طرف پیشنهاد قرار میگیرد.

البته چون پیشنهاد نوعی ایجاب است مقررات عمومی ازقبیل اهلیت وصلاحیت راهم میطلبد.

## برای مثال و نمونه

همین چهارشنبه ششم نوامبر سال ۲۰۱۲ آقای اخضر ابراهیمی نماینده سازمان ملل متحد گفت پیشنهاد معاذ الخطیب رهبران تلاف مخالفان سوریه خوب است اما کافی نیست >

ملاحظه میفرمایید که تمامی ارکان و یا عناصر لازم برای اینکه یک فکرو یا طرحی پیشنهاد شناخته شود در اظهارات اخضر ابراهیمی موجود است.

آیا عناصر و ارکان تشکیل دهنده پیشنهاد، در منشور شورای باصطلاح ملی! هم وجود دارد؟ آیا ماده ۱۱ آن مشروعیت قانونی دارد؟ آیا ماده ۱۱ منشور سابقه طرح و اجرا در ایران نداشته است؟ آیا دلیل قاطعی وجود دارد که اجرای ماده ۱۱ منشور متضمن منفعت جامعه است؟ آیا شورای به اصطلاح ملی! اهلیت قانونی برای تهیه چنین منشوری را دارد که نه اسناد هویتی آن منتشر شده و نه معلوم است که مسئولین آن چه کسانی میباشند.

بنابراین منشور شورای [باصطلاح] ملی اساسا پیشنهاد سیاسی و اجتماعی شناخته نمیشود.

## اگر منشور شورای پیشنهاد نیست، بی چیست؟

منشور شورای باصطلاح ملی! یک پیشنهاد شخصی و گروهی است برای انجام معامله ای که مورد معامله آن، تجزیه کشور [ایران] است و از آنجا که پیشنهاد و یا ایجاب متضمن رضایت و درخواست متقاضی (پیشنهاد دهنده) است منشور شورای باصطلاح ملی! و خاصه ماده ۱۱ آن میشود اعلام رضایت امضاکنندگان منشوریه تجزیه کشور و اعم از اینکه این منشوریه مجلس سنا برود و یا نرود ایجاب امضاکنندگان منشوریه قوت خود باقی است و همواره میتواند قابل استناد و درخواست اجرا را گیرد کما اینکه ایالات تابعه اتحاد جماهیر شوروی بامنشور و جمع کردن امضاها از طریق شورای امنیت به استقلال و خود مختاری رسیدند و ابدا هم نیازی به تشکیل مجلس موسسان نبود.

نظریه اینکه منشور مزبور با اعتراض سنگین ایرانیان خارج از کشور روبرو نگردیده و علاوه بر آن شخصیت های برجسته مقام و مورد احترام ایرانیان خارج از کشور آنرا امضا کرده اند یعنی خواستار قبول ایجابشان شده اند و از آنجا که شخص اعلیحضرت که امضاکننده آن ایجاب <معامله تجزیه ایران> میباشند، خودشان فرموده اند که در خارج از کشور ۱،۲۰۰،۰۰۰ ایرانی طرفدار ایشان وجود دارد. [!]

و امضای ایشان در ردیف درخواست کنندگان و موافقان تجزیه ایران نوعی بیعت است که بیعت رهبر و مرشد شامل حال مریدان هم میشود.

**لذا منشور شورای پیشنهاد نیست بلکه درخواست تجزیه کشور است که براحتی میتواند بجای مسیر نامعلوم مجلس موسسان و بهانه های سرخرمن مورد استفاده تجزیه طلبان در سازمان ملل متحد قرار گیرد.**

این توضیح بجاست که امضا جمع کردن برای مشروعیت دادن به درخواست است، دقیقا کاری که در رابطه با منشور تجزیه طلبی شده است و الا پیشنهاد چه نیازی به جمع آوری امضا دارد. در پیشنهاد، مشروعیت نهفته و موجود است تنها در درخواست و قطعنامه است که برای کسب مشروعیت بازاری نیاز به جمع آوری امضا دارد.

به دوست طرف مکالمه گفتم؛ آیا شما حاضرید که اعلان کنید و امضا جمع کنید و پیشنهاد کنید که مردان برای همجواری بازن و دختر شما حاضر شوند و بعد هم بگویند که من پیشنهاد کردم تا قبول آن فاصله زیادی است، و جای نگرانی نیست؟

**امضا جمع کردن و دعوت برای مشارکت در پیشنهاد، به معنای درخواست و موافقت با تجزیه ایران یک پیشنهاد پیشرفته و عمل خائنه است.**

اگر تجزیه طلبان خوزستان پیشنهاد کنند که خوزستان ایران به عراق داده شود و در مقابل کربلا به ایران منضم گردد آیا شما هم آنرا بعنوان اینکه پیشنهاد است و نباید نگران بود امضا میکنید؟

آقایان و خانمهایی که منشور را امضا کرده اید، بدانید و آگاه باشید که سند پیشنهاد تجزیه ایران را امضا کرده اید و این سند با همین مقدار امضا خاصه با نمایشات پسوند آن یعنی جمع آوری پول و مصاحبه ها و حمایت ها و سکوت وی بی اعتنائی ایرانیان خارج از کشور به این ماجرای ننگین و خانناکه کافی است، برای تجزیه ایران، و تمام وعده های مجلس موسسان و غیره واهی و برای اغفال شما و جمع آوری امضاست. و این سند ننگین نه مرور زمان بردار است و نه از اعتبار آن کاسته خواهد شد و هر زمان که اوضاع مناسب باشد مستند تجزیه ایران قرار خواهد گرفت.

بگذاید یک نمونه حی و حاضر تقدیم شود که شاید این تحریر جای رسوبی پیدا کند.

میدانید که یک نشست غیر رسمی در لندن بنام ایران تریبونال برای محکومیت کشتار ۶۷ تشکیل شد و این به اصطلاح دادگاه حکم به محکومیت آن کشتارها و همچنین افراد دست اندرکار کشتار داد، گرچه حکم این دادگاه قابل اجرا نیست (در تطبیق مورد که منشور به اصطلاح شورا اکنون قابل اجرائیست) ولی بهرحال حکم این نشست که همراه شهود و استدلال و غیره همراه است و اجد اعتباری خواهد بود که هرآینه در آینده دادگاه رسمی تشکیل گردد این باصطلاح حکم دادگاه ایران تریبونال، از مستندات اصلی دعوا خواهد بود.

در تطبیق مورد همانطور که حکم دادگاه مزبور امروز قابل اجرائیست ولی اعتبار دادگاهی و حقوقی آن محفوظ خواهد ماند، منشور شوراهم همین وضع را دارد، امروز قابل اجرا نیست و بصورت **پیشنهاد** یعنی یک رضایت نامه برای تجزیه است ولی یک سندی متقن و با اعتبار برای ادعای تجزیه کشور خواهد شد.

**این سند یعنی منشور به اصطلاح شورا! یک مسئله بسیار حساسی را هم با خود دارد و آن این**

**است که نشان میدهد امضا کنندگان منشور تشخیص و رضایت داده اند که دیگر مسئله تمامیت**

**ارضی و استقلال کشور از اهمیت قانونی و سنتی خود خارج شده است دلیل این مهم این است که**

**شخص اعلیحضرت که در گذشته اعلام فرموده اند > سلطنت نمادی است که بیان کننده حفظ**

**ملیت، حفظ فرهنگ، حفظ تمامیت ارضی و حفظ استقلال فکری و روحی ملت و ایران است و من**

**نماینده آن نماد هستیم > از اعتبار افتاده است که منشور ماده ۱۱ آن مطرح و به امضای ایشان**

**رسیده است یعنی منشور ناسخ سوگند وفاداری و حراست از تمامیت ارضی کشور است.**

بدانید و وحشت کنید؛ اگر شرائط سیاسی جهان اجازه بدهد با همین امضاها کارت تجزیه مملکت پایان خواهد یافت مبارکتان مباد این ساده انگاری وی بی اعتنائی به تمامیت ارضی ایران.

**بکشید و برای یک دقیقه هم شده ایران تجزیه شده را مجسم کنید شاید وحشت آن شمارا هم بیدار کند.**

**قابل استفاده برای ناسیونالیستهای ایرانی**

ایرانیان اصیل و صاحبان حقیقی ایران-

از این توجه به دورنماید که پیشنهاد تجزیه ایران (منشور شورا) بوسیله کسانی امضا شده که بهنگام امضا تابعیت ایرانی خودشان را بامیل و رغبت از دست داده اند و به تابعیت بیگانه درآمده اند و قسم به وفاداری و حفظ منافع کشوری را که تابعیت آنرا قبول کرده اند یاد نموده اند بنابراین علاوه بر اینکه امضا کنندگان آن منشور فاقد اهلیت لازم برای امضای منشور هستند، نظریه اینکه یکی از عناصر جدی و اساسی پیشنهاد > وجود منفعت برای جامعه است =

بشرحی که فوقا عرض شد، قطع تابعیت ایرانی آنها سبب قطع صلاحیت تشخیص منفعت برای جامعه ایرانی هم میشود و صلاحیت تشخیص منفعت جامعه که از شرائط لازم هر پیشنهاد سیاسی و اجتماعی است بطور طبیعی از آنها (امضاکنندگان منشور) سلب شده است لذا ماهیت حقوقی و اعتباری منشور شورا در حد عمل فضولی کسانی است که در حقوق و حاکمیت ملی مردم کشوری که رابطه تابعیتی با آن ندارند مداخله کرده اند.<sup>۱</sup>

**از آنجا که نمیتوان گفت که امضا کنندگان منشور به اصل کلی بالا آگاه نیستند یعنی میدانند که مصلحت و خیر اندیشی آنان نسبت به کشور تابعیت دوم آنها مقدم بر مصلحت و منفعت کشوری است که سالهای سال است ترک تابعیت آنرا نموده اند، لذا صحبت های اینگه منشور در راستای سیاست آمریکا برای تجزیه کشور امضا شده است جای توجه حساسی را بخود میگیرد.**

**امیدوارم حقوقدانان ناسیونالیست و وطن پرست و مردم با غیرت ایران باتمام حدت و کوشش از هم اکنون به کمک استقلال و تمامیت ارضی ایران برخاسته و مانع حرکت و شاخه سازی این نکبت بزرگ و تاریخی گردند.**

<sup>۱</sup> - این نکته حقوقی بسیار، بسیار پر اهمیت است. باره نوشته ایم، هر آنکس که تابعیت کشور دیگری را با رغبت پذیرفته است، و تابعیت ایران را ترک کرده است (بسیاری کشور ها تابعیت دوگانه نمی دهند، مگر از تابعیت کشور مبدا خارج شده باشند)، قانون اساسی ۱۹۰۶ و متمم آنرا ترک کرده است و قانونی را هم بعنوان قانون اساسی کشور ایران نپذیرفته باشد مسلما تابع قانون کشور مقصد که به تابعیت آن در آمده است قرار دارد و اگر بطور نمونه تابعیت آمریکا را پذیرفته باشد، در آن صورت ایرانی محسوب نشده و تنها تابعیت آمریکا را دارد و یک آمریکایی، کانادایی، استرالیایی، انگلیسی یا آلمانی و و حق دخالت در امور داخلی ایران را ندارد. نقطه تمام. - اگر متوجه نمی شوید با یک وکیل مهاجرت که آشنایی کامل به امور داشته باشد مشورت کنید. ح-ک